



ساعت ۹ صبح ۶ مرداد

همراه با پرستاران در مقابل وزارت بهداشت!

صفحه ۲



صفحه ۷

**اطلاعیه حزب
کمونیست کارگری
درمورد جنایت
اسلامی ها در
ترکیه**

جایگاه جمهوری اسامی در منطقه

پس از توافقات هسته ای

سیامک بهاری

صفحه ۳

دلواپسان و دلباختگان!

توافق هسته ای و ژورنالیسم ایرانی

مصطفی صابر

صفحه ۴

راه حل یونان سیاسی است!

حمید تقوایی

صفحه ۶

توحش اسلامی چرخ میزند و نکبت می آورد

بهروز مهرآبادی

صفحه ۶

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۸

جمعه ۲ مرداد ۱۳۹۴، ۲۴ جولای ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

**شان نزول رجزخوانی های ضد آمریکائی
خامنه ای!**

بی حقوقی اسلامی کودکان!

گشایش اقتصادی در گرو "نرمش

قهرمانانه" دیگری است!

صفحه ۵

تجمع معلمان در مقابل مجلس

شعار معلمان:

معلم زندانی آزاد باید گردد!

صفحه ۲

۲۷ هزار کارگر قالیباف و ساختمانی در

تبریز از حق بیمه تامین اجتماعی

محروم شدند!

صفحه ۸

در مورد سفر روحانی و هیئت دولت به

کردستان

صفحه ۷

هراس امام جمعه شهر بابک از تشدید مبارزه

کارگران مس خاتون آباد

نسان نودینیان

صفحه ۷



فضایی از همبستگی با مبارزات پرستاران و همینطور کارگران، معلمان و بازنشستگان را در سراسر کشور ایجاد کنیم و نیروی خود را برای مقابله با تبعیضات، محرومیت ها، فقر و بی حقوقی متحد و یکپارچه گردانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مرداد ۱۳۹۴، ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵

هستند. پرستاران اعلام کرده اند که در صورتیکه اعتراضات آنها جواب نگیرد در سراسر کشور دست به تجمع خواهند زد. خواست ها و مبارزات پرستاران شایسته همبستگی گرم همه مردم است. به هر شکل که میتوانیم از خواست های آنها و خواست درمان رایگان برای همه حمایت کنیم.



این گفته او نشان میداد که ما کار خودمان را کرده ایم. امروز اوایش خامنه ای و روحانی، سرکوبگران حکومت اسلامی، جلو تجمع سازمان یافته معلمان را گرفتند اما معلمان با حرکت امروز خود اعتراضشان را نشان دادند و با تجربه مبارزاتی زیادی که اندوخته اند و شبکه ها و گروه های مختلفی که ایجاد کرده اند، سازمان یافته تر و قدرتمندتر به میدان خواهند آمد. جلو طوفان اعتراض معلمان و مردم را نمیتوان گرفت. روحیه مصمم معلمان در حرکت امروز نشانه محکمی از طوفانی است که در راه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ تیرماه ۱۳۹۴، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۵

علیه ما معلمان بسیج کرده بودند. فضا سنگین بود و معلمان را متفرق میکردند. نتوانستیم پلاکاردها را بلند کنیم. اگر تجمع امروز صورت میگرفت بدون شک گسترده تر از همه تجمعات تا کنونی بود. و گزارش دیگری اینطور نوشته است: «ما دوباره به طرف مجلس برگشتیم. معلمان هنوز در اطراف مجلس پراکنده اند. پلیس نمیکند کسی جمع شود ولی ده قدم آنطرف تر در میدان دوستان شعار معلم زندانی آزاد باید گردد را سر دادند. دوستان دیگری از سوی دیگر آنها تکرار کردند. هنوز معلمان در محل پخش هستند. امروز اگر چه نتوانستیم جمع شویم، اما پیام اعتراض خودمان را رساندیم. از جلوی مغازه داری رد میشدیم، میگفت درود بر معلمان. و

ساعت ۹ صبح ۶ مرداد

همراه با پرستاران در مقابل وزارت بهداشت!

خواست درمان رایگان برای همه حمایت کنیم. از مهرماه سال ۹۳ اجرای طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد، در دستور کار مراکز درمانی و بیمارستان های تحت پوشش وزارت بهداشت و درمان قرار گرفت که با نارضایتی و اعتراض پرستاران مواجه شد. طبق این طرح ظاهرا قرار است بخشی از سود حاصله در بیمارسان ها بین پرسنل درمانی و خدماتی تقسیم شود تا از این طریق

پرستاران قرار است ساعت ۹ صبح روز ۶ مردادماه در مقابل وزارت بهداشت در تهران تجمع کنند. پرستاران خواهان افزایش فوری حقوق و کاهش فشار کاری بر آنان، استخدام تعداد مورد نیاز پرستار و استخدام پرستاران پیمانی، لغو اجرای پرداخت مبتنی بر عملکرد، اجرای طرح تعرفه خدمات پرستاری و ارتقای سطح درمان و بهداشت در بیمارستان ها است. از خواست های پرستاران و اعتراض آنها و همینطور

تجمع معلمان در مقابل مجلس

شعار معلمان:

معلم زندانی آزاد باید گردد!

دستگیر شده از تهران و شهرهای مختلف از جمله مشهد، اصفهان، قزوین، شهر کرد، ارومیه، ساری، مریوان هستند. علیرغم دستگیری گسترده، معلمان به مقاومت و تلاش برای تجمع و شعار دادن ادامه دادند. بطور موضعی تجمع کردند، دستها را بعلافت پیروزی بالا بردند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر دادند. معلمان معترض جلو برخی ماشین های که معلمان دستگیر شده در آنها بودند را نیز سد کردند و مانع حرکت ماشین ها شدند.

طبق گزارشات مختلف، نیروهای سرکوب حتی مانع توقف قطار مترو تهران در ایستگاه بهارستان شده اند و اینرا داخل مترو به مسافران اعلام کرده اند. فضای مقابل مجلس و خیابان ها و کوچه های اطراف حالت غیر عادی دارد و نیروهای سرکوب از مغازه داران هم خواسته اند بیرون مغازه نایستند و به داخل مغازه های خود بروند. یکی از معلمان در گزارشی که برای ما ارسال کرده

طبق گزارشات مختلفی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، معلمان طبق فراخوانی قرار گذاشته بودند ساعت ۱۰ صبح امروز ۳۱ تیرماه در مقابل مجلس دست به تجمع بزنند. هزاران معلم از تهران و بسیاری از شهرهای کشور بطرف مجلس حرکت کردند. نیروهای سرکوب شامل نیروی انتظامی و مزدوران لباس شخصی و ضد شورش با باتوم و سپر از قبل در مقابل مجلس و کلیه خیابان های اطراف مستقر شده بودند تا مانع تجمع معلمان شوند. علیرغم این معلمان زیادی خود را به مقابل مجلس رساندند. سرکوبگران از بدو حضور معلمان دست به متفرق کردن آنها زدند اما با مقاومت معلمان مواجه شدند. دهها نفر را دستگیر کردند تا به هر قیمت جلو تجمع را بگیرند. طبق گزارشی بین صد تا دویست معلم را دستگیر کرده و به ماشین های که در اطراف مجلس مستقر کرده اند منتقل کردند. سر و صدای اعتراضی معلمان زن مانع دستگیری تعداد بیشتر شده است. معلمان

«پلاکاردهایی با شعار خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون. ما همه عیدی هستیم. آموزش را کالایی نکنید. حقوق شهروندی ما و زندگی انسانی، با خود داشتیم که نتوانستیم بلند کنیم و منتظریم ببینیم امکان تجمع پیدا میکنیم یا نه. ممکن است امروز نگذارند اعتراض خودمان را نشان دهیم. ولی ما ساکت نمی مانیم. همیشه راهش پیدا میشود. اسماعیل عیدی و معلمان زندانی باید آزاد شوند. ما حق و حقوقمان را میخواهیم». معلم دیگری نوشته است: «امروز با جمعی از همکاران معلم و با تعدادی از پرستاران که بصورت پیمانی کار میکنند، قرار داشتیم تا به مقابل مجلس برویم. دوستان پرستار پلاکاردها همراه داشتند: معلم، پرستار اتحاد، اتحاد. حقوق بالای خط فقر حق مسلم ماست. تحصیل رایگان، درمان رایگان حق مسلم ماست. در چند دسته بطرف بهارستان حرکت کردیم. هر چه به میدان نزدیک تر میشدیم فضا امنیتی تر میشد. چقدر ترسیده بودند. نیروی زیادی



جایگاه جمهوری اسامی در منطقه پس از توافقات هسته ای

واکنشهای منطقه ای پس از توافقات هسته ای محسوب می شود. این حسن رابطه بخشی از تغییر تناسب قوا در منطقه است. اگر چه جمهوری اسلامی کماکان تامین اسلحه و ساز و برگ جنگی شاخه نظامی حماس "غزالین قسام" را ادامه میدهد.

"محمد البردویل" از اعضای رهبری حماس در مصاحبه ای نکات قابل توجهی در باره ملاقات حماس و سعودیها دارد: "دیدار هیئت رهبری حماس به ریاست خالد مشعل با ملک سلمان بن عبدالعزیز و شاهزاده محمد بن نایف و شاهزاده محمد بن سلمان، نشانه ای از گشایش مهم در روابط میان حماس و ریاض است. . . هدف از این دیدار، از سرگیری تلاش عربی برای حمایت از فلسطین است. بهبود روابط با عربستان سعودی به معنی دادن آزادیهای بیشتر به موسسه های غیردولتی عربستانی برای ارائه کمکهای بشر دوستانه به فلسطینی ها به ویژه در نوار غزه است." او همچنین آزاد کردن چهار تن از شخصیت های فعال سیاسی حماس از جمله "ماهر صلاح" از زندانهای سعودیها را نیز بخشی از رفع "سوتفاهات" می خواند.

تاکیدات محمد البردویل بر "عربی بودن کمک به فلسطین و غزه، باز گذاشتن دست موسسات به اصطلاح غیر دولتی عربستانی و تاکید بر بهبود روابط با دربار سعودی ها بویژه در میانه کشمکش آشکار عربستان با جمهوری اسلامی را نباید بهیچ وجه دست کم گرفت. اخیرا رهبری حماس با چالش و قدرت گرفتن داعش در غزه نیز روبروست. نزدیکی و تحکیم رابطه با عربستان و دوری تدریجی از جمهوری اسلامی، را نیز باید به بخشی از موضعگیری دراز مدت حماس مرتبط کرد. تلاش عربستان برای منزوی کردن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در منطقه بخشی از ایجاد روابط گرم با حماس است.

ارتجاعی حکومت اسلامی بر زندگی مردم، عقب راندن و سرکوب توقعات بحق مردم برای داشتن یک زندگی مدرن و امروزی و رفاه و آسایشی است که زیر چکمه و نعلین لگد کوب شده است.

جمهوری اسلامی بدون دشمنی با غرب و شیطان بزرگ اساسا ضرورت وجودی خود را از دست میدهد. اگر قرار باشد به چیزی شبیه حکومت های عربستان و ترکیه و حتی مالزی و سنگاپور بدل شود، دیگر نیازی به این نوع حکومت و فقیه و دار و دسته و بیت رهبری و حزب الله و صدور انقلاب و سپاه پاسداران و سپاه قدس و غیره نیست. از این زاویه جمهوری اسلامی به انتهای بن بست محتوم خود رسیده است. تمام تلاش جمهوری اسلامی در این برهه حفظ موقعیت سابق خود است و برای این منظور از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. اگر چه روشن است که راه به جایی نخواهد برد.

اهرمهایی که از دست میروند

استقبال و ملاقات رسمی غیرقابل انتظار ملک سلمان و شاهزادگان قدرتمند دربار سعودی، از سفر خالد مشعل و هیئت رهبری حماس، موسی ابومرزوق و صالح العروزی به عربستان سعودی، ضربه ای کاری بر سیاست منطقه ای جمهوری محسوب می شود. اعلام خاتمه روابط سرد بین سعودیها و حماس که از سال ۲۰۰۷ در پی سرپیچی حماس از طرح ملک عبدالله موسوم به "توافق مکه" پس از درگیری بین فتح و حماس ایجاد شده بود، تغییر ریل تدریجی حماس پس از حمایت از اخوان المسلمین در مصر و خروج از سوریه پس از شروع سرکوب و درگیری نظامی در سوریه، نزدیکی و هم جہتی بیشتر به حکومت ترکیه به دوری حماس از جمهوری اسلامی صورت واضح تری داد.

علیرغم اظهار نظر "خالد مشعل" به حسن رابطه با تهران، اما این نزدیکی یکی از فوری ترین

تغییر رابطه با غرب

بدیهی است پذیرش مفاد توافقنامه به بندهای فنی و نظامی آن محدود نخواهد ماند. آنچه جمهوری اسلامی بدست از آن هراس دارد، تکنانهای اجتماعی و سیاسی مردم ایران و طلب حقوقی است که چند دهه حکومت اسلامی به بهانه جنگ ناکرده با غرب از مردم ایران دریغ کرده است.

لحظاتی پس از اعلام توافق هسته ای، شعار "توافق یعنی ما حقوق شهروندی ما" رو در روی آشکار میلیونی مردم را نشان داد. این را جمهوری اسلامی بخوبی میداند و آنچه رابطه با غرب را برای جمهوری اسلامی بیش از پیش دشوار می کند، نه غرب سیتیزی حکومت، که حکومت سیتیزی مردمی است که به بهانه جنگ با شیطان بزرگ به دره عظیم فقر و محرومیت رانده شده اند. غرب سیتیزی جمهوری اسلامی دقیقا در تلاقی رو در رویی با صف میلیونی مردمی است که با همین سیاست از ابتدایی ترین حقوق پایه ای و اولیه محروم گردیده اند.

در عین حال تغییر جایگاه ماهوی و دگرگونی سیاستهای بین المللی نظام اسلامی مستقیما ضربه ای جدی علیه موقعیت اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی در جهان و بویژه منطقه و به رابطه و اعتماد در بین جریاناتی است که با کوبیدن بر طبل مرگ بر امریکا گردآوری کرده است.

هجوم کمپانیهای غربی برای تصرف بازار سودآور و شراکت با موسسات صنعتی و تجاری که اساسا در دست سپاه پاسداران و آیت الله ها و آقا زاده ها است و آزاد شدن سپرده های مالی جمهوری اسلامی نزد بانکهای بین المللی گشایشی در زندگی مردم ایجاد نخواهد کرد.

تغییر رابطه با غرب برای مردم ایران، شکست سیاستهای تروریستی - اسلامی، شکست تحمیل مناسبات اجتماعی و فرهنگ فوق

عراق برای دفاع از "حرمین" نیست. جنگ نیابتی در یمن و بحرین، دیگر صریحا بخشی از استراتژی صلور انقلاب و گردنکشی جمهوری اسلامی در منطقه است. این اعترافات صریح و آنچه او را مجبور میکند بر ایفای نقش مخرب و جنگ طلبانه جمهوری اسلامی تاکید بگذارد، اساسا برای سرپا نگهداشتن نیرویی است که با شکست جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته ای بی تردید دچار هزیمت خواهد شد. تاکید خامنه ای بر "مجاهدان صادق مقاومت در فلسطین" هم بخشی از معرکه ای است که گریبانگیر جمهوری اسلامی شده است. سالهای متمادی برای هم جهت کردن حماس و رهبری آن از هیچ اقدامی فرو گذار نکرده اند و حالا حماس در جناح رقیب مشغول جا انداختن خود است.

دردهای جمهوری اسلامی تازه آغاز شده است. هر قدر که زهر توافقات در پیکر فرتوت جمهوری اسلامی تاثیر می گذارد، آشفتگی و سراسیمگی آن نیز آشکارتر میشود. حرکاتی که دیگر قابل کنترل نیستند. مابه از آن برای جمهوری اسلامی عواقب شدیدی به همراه خواهد داشت. تاکید خامنه ای بر تغییر ناپذیری سیاستهای بین المللی جمهوری اسلامی در مقابل امریکا چیزی جز این معنا ندارد. او از سویی دارد نقش تعیین کننده خودش را در پذیرش توافقنامه هسته ای لاپوشانی می کند و از سوی دیگر تلاش دارد با عادی و مستمر نشان دادن سیاستهای پیشین، مانع ریزش سازمانهای ریز و درشت تروریستی بعنوان تنها دستاورد بین المللی و منطقه ای اش شود. وانگهی افکار عمومی جهان بخوبی میداند که بدون موافقت و اعمال نظر خامنه ای، تصویب چنین توافقی با غرب امکان پذیر نبود! تیم مذاکره کننده و حواشی آن فقط یک ابزار برای رسیدن به توافق با غرب بود.

تنگناهای سیاسی و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی پس از توافقات هسته ای و احتمال عملی و اجرایی شدن آن، منجر به سقوط قابل پیش بینی جایگاه حکومت در جدول تعیین اعمال قدرت در منطقه خواهد شد و کنترل و یا اتکا به اهرمهای فشاری که برای اجرای اعمال قدرت خود در منطقه ساخته است با موانع جدی روبرو خواهد گردید. پذیرش شکست و عقب نشستن از قدرت هسته ای، به حکومتی که تاسیسات و تجهیزات حساس نظامی اش را غرب بعنوان "دشمن" کنترل خواهد کرد، تعادل و کل سیاست خارجی و منطقه ای جمهوری اسلامی را بشدت تحت شعاع قرار داده خواهد داد.

بدیهی است با بهم خوردن این تعادل سیاسی، جریانات تروریستی دست پرورده حکومت اسلامی در منطقه نیز در روابط خود تجدید نظر خواهند کرد و یا به دنبال حامیان قابل اتکا تری خواهند گشت.

خامنه ای در رجزخوانی اخیرش برای اعاده حیثیت از خود، ناچار شد سیاستی را که تا دیروز به اشکال مختلف کتمان می کرد، آشکار کند. او می گوید: "چه این متن تصویب بشود و چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید، از ملت مظلوم فلسطین، از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین؛ همواره مورد حمایت ما خواهند بود."

پرهیز خامنه ای از بکارگیری عبارت توافقات و بکار بردن "متن" چیزی از حقیقت شکست و عقب نشینی در برابر غرب نمی کاود. اما جوهر اصلی سخنان او، اعتراف صریح به حضور نظامی و امنیتی در سوریه و پشتیبانی و شراکت بی شائبه در جنایات ضد بشری بشار الاسد و پایان دادن به داستان سراسری دفاع از "حرم زینب"، لشکر کشی در



دلوایسان و دلباختگان! توافق هسته ای و ژورنالیسم ایرانی

مصطفی صابر

اینروزها واژه "دلوایسان" سکه رایج سیاست ایران شده است. لاقلاً در رسانه هایی مثل بی بی سی فارسی اوضاع چنین است. مراد از این اصطلاح نیز اشاره به مخالفان "توافق هسته ای" اخیر بین جمهوری اسلامی و کشورهای پنج بعلاوه يك است. بی بی سی حتی در اخبار و گزارشات رسمی اش با آب و تاب از عبارت "دلوایسان داخلی و خارجی" نیز استفاده میکند. یعنی فرض کنید کیهان شریعتمداری، سناتورهای جمهوریخواه آمریکا، تنتیاها، شیوخ عربستان و غیره، همه در يك کیسه بنام دلوایسان ریخته میشوند!

این را دیگر با سطحی گری معمول ژورنالیسم نمیتوان توضیح داد. نازلتر و غریب تر است. محصولی تماماً ایرانی است. آخرین دستپخت تبلیغی ایدئولوژیک جنبش ملی اسلامی ایران است. جنبشی که با جمهوری اسلامی بر سر کار آمد و بخش هایی از آن در دعوای درونی از قدرت رانده یا مغضوب واقع شدند، ولی کماکان میکوشند با "اصلاح" و "تعدیل" رژیم، تناقضات آنرا به نفع بقایش حل کنند. بطور مشخصتر، کاربرد واژه دلوایسان در واقع پیکان حمله سیاسی طرفداران روحانی و رفسنجانی و خاتمی در مقابله با جناح دیگر حکومت برای گرفتن سهم بیشتر از قدرت و نجات جمهوری اسلامی است. صورت ظاهر این تبلیغات چنین است: دلوایسان توافق هسته ای مملکت را به باد میدهند و تنها راه نجات این است که کار به دست دلباختگان این توافق سپرده شود. بدین ترتیب این جنگ بین خیر و شر که حول دلوایسان و دلباختگان توافق هسته ای راه افتاده است، نسخه مبتذلتری از تقابل بین "انحصار طلبان" و "اصلاح طلبان" دوره دوم خرداد است. دنیای واقعی البته بطور غریبی از این متافیزیک آخونی فاصله دارد.

مفهوم دلوایسان حتی به معنای اصیل و ماقبل بی بی سی آن نیز ساختگی بود. دلوایسان نامی بود که

بخشی هایی از طرفداران خامنه ای بر خود نهادند. همه دنیا میدانست که ولی و ارباب اینها خود شخصا در راس مذاکرات هسته ای است و این دلوایسان قرار است نقش لباس شخصی ها و اوپاش آقا را در چانه زنی های سیاسی و بخصوص برای مهار اوضاع داخلی ایفاء کنند؛ که مبادا در جریان توافق توازن قوای درونی رژیم بهم بخورد و مردم پای شان را لای شکافهای بالا بگذارند. در واقع خامنه ای به شیوه مالوف خود ظرفیت های "دوبال نظام" را در جریان عقب نشینی از سیاست های قبلی خود در زمینه هسته ای به کار گرفت. روحانی و ظریف را از "يك بال" به پای میز مذاکره فرستاد تا "ترمش قهرمانانه" کنند، همزمان اوپاش خود را از "بال دیگر" فرمان داد تا همچنان نعره "دلوایسی" سر دهند و قمه چرخ دهند تا مبادا کسی در نرمش کذایی علامت ضعف و بی ثباتی نظام را ببیند.

چنانکه می بینید دلوایسان حتی در هیات اصیل و معنی دار خود از تقلبی ترین فاکتورها در جریان مذاکرات هسته ای بودند. جریانی که قائم به ذات نیست و افسارشان در دست خامنه ای است که خود مهندسی توافق را بر عهده داشته و دارد. در واقع این بخصوص بی بی سی و رسانه های همانندش بودند که از دلوایسان غولی ساختند و آنرا حتی بطور مسخره ای به مفهومی عام و حتی جهانی تبدیل کردند. اما چرا؟

مطلوبیت بلافصلش برای بی بی سی و سایر بلندگوهای اصلاح طلبان احتمالاً این بوده که بزرگ کردن دلوایسان به قطب رقیب در دعوای درونی جمهوری اسلامی، یعنی به روحانی و رفسنجانی، اعتبار میدهد. خصوصاً که این دلوایسان منفور ترین بخش های حکومت اسلامی اند. ما در ماههای گذشته بارها و از زبان مفسران گوناگون در رسانه هایی نظیر بی بی سی صراحتاً و تلویحاً چیزهایی با این مضمون شنیده ایم که: اگر دلوایسان بگذارند روحانی کارش را بکند ایران و

منطقه و حتی جهان گلستان میشود!

اما سوی این مطلوبیت بلافصل، نوعی از شم طبقاتی در این ماجرا نقش ایفاء میکند. باکمی دقت می بینیم که این جلوه دادن دلباختگان توافق هسته ای بعنوان ناجی جامعه، مکمل همان "ترمش قهرمانانه" از یکسو و سیاست نیم کلاچ در بکارگیری دلوایسان از سوی دیگر توسط خامنه ای است. پشت هردو این سیاست ها يك نگرانی واحد وجود دارد. اینکه مبادا در جریان عقب نشینی جمهوری اسلامی طی توافقات هسته ای مردم از فرصت استفاده کنند و به میدان بیایند و امر خودشان را پیش ببرند. اگر خامنه ای چماق دلوایسان را همچنان بالای سر جامعه نگه داشته است اصلاح طلبان و امثال بی بی سی میکوشد تا دایره دخالت مردم را به حمایت از بخشی از جمهوری اسلامی محدود کنند. درواقع این معرکه دلوایسان و دلباختگان توافق هسته ای که شاهد هستیم، دو وجه سیاست واحد طبقاتی بورژوازی در حفظ جمهوری اسلامی و نظام موجودش از خطر تعرض مردم به جان آمده است.

جایگاه جمهوری اسلامی در منطقه ...

از صفحه ۳

باید اعتراف کرد که فروختن دو قطبی مضحك دلوایسان و دلباختگان و چنین تعبیر سطحی و تقلیل یافته ای از توافق هسته ای به مردم ایران کار آسانی نیست. مردمی که تجربه سیاسی غنی دارند، بالا و پایین این رژیم را میشناسند و اوضاع منطقه را دنبال میکنند. هرکس میتواند ببیند که جمهوری اسلامی و همینطور کل منطقه خاورمیانه مدتی است وارد چرخه ای از تغییرات جدی و تعیین کننده شده است. مذاکرات هسته ای و "ترمش قهرمانانه" از سوی رژیمی که قبلاً نعره "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" سر میداد، تنها حلقه ای از تحولات عمیق تر و جدی تر است. اگر بخواهیم نقطه شروعی برای این تحولات تعیین کنیم انقلاب مردم ایران در سال ۸۸ است که در کنار "مرگ بر دیکتاتور" و "آزادی زندانیان سیاسی" و غیره، یکی دیگر از شعارهایش "انرژی هسته ای نمیخایم، نمیخایم" بود. آیا بی بی سی و ژورنالیسم مربوطه اش این ها را فراموش کرده است؟ خیر. آیا فکر کرده اند مردم فراموش کرده اند؟ بازهم خیر. آنها بخوبی همه اینها را میدانند و دقیقاً چون میدانند

اولی در منطقه و بطور اخص برای امثال حماس داشته باشد.

تغییر روال جنگ قدرت در یمن، شکست و عقب نشینی حوثی ها در مقابل ائتلاف ده کشور به رهبری عربستان ضربه ای دیگر بر قدرتمندی و شکست جمهوری اسلامی محسوب می شود.

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای نگهداشتن جریانات اسلامی - تروریستی بعنوان هم پیمانان منطقه ای، با دشواری بیشتری روبرو خواهد شد.

آنچه جمهوری اسلامی پس از توافقات هسته ای تجربه خواهد کرد نه بهبود مناسبات با غرب و نه کشورهای منطقه است. جمهوری اسلامی در نبردی برای ادامه بقا

کارشان همین است که دارند انجام میدهند. کار ژورنالیسم بخصوص از نوع بی بی سی توجیه سیاست ها و منافع معین به اسم خبر رسانی و دادن تحلیل های مسخره مثل موضوع مورد بحث این نوشته است. بی بی سی و مفسرین اش میدانند که این تقابل دلوایسان و دلباختگان آبکی و ساختگی است. خود آنها هم میدانند که چنین چیزهایی دوام ندارد و بزودی باید کنار بگذارند. اما وقتی به آنجا رسیدیم ابتدا به روی مبارک هم نمی آورد که امروز چه گفته اند. به کار خبرسازی و خبرگویی شان ادامه میدهند و برای کار غیر اخلاقی و ضد بشری که امروز میکنند هیچ مسئولیتی بعهده نخواهند گرفت. در يك کلمه، ابتذال حرف اول را در ژورنالیسم امثال بی بی سی فارسی میزند. لذا مردم هم حق دارند قضاوت خودشان را داشته باشند و امثال روزنامه کیهان "دلوایس" و بی بی سی "دلباخته" را بعنوان موانع راه خود برای راهی از شر جمهوری اسلامی محسوب کنند.

خود، مستقیماً با مردم ایران رو در رو است. هیچ درجه از سازش با غرب، جمهوری اسلامی را در این رویارویی کمک نخواهد کرد. هر چه جمهوری اسلامی خود را به غرب نزدیک تر کند، به تشدید تضادهای بنیادینش با خواستها و مطالبات کارگران و مردم ستمدیده ایران خواهد افزود. هر درجه به آتش غرب ستیزی اش بدمد، ریش خود را خواهد سوزاند.

این بن بست به سرنگونی جمهوری اسلامی به دست مردم ایران خواهد انجامید. جنبش مبارزاتی که برای معیشت و منزلت و برپا کردن يك حکومت انسانی بدون وقعه پیش رفته است و به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نخواهد داد، پایان سناریوی سیاه جمهوری اسلامی و آغاز پیروزی مردم در ایران خواهد بود.

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

شان نزول رجزخوانی های ضد آمریکائی خامنه ای!

خط و نشان کشیدنهای اخیر خامنه ای علیه آمریکا کاملاً قابل انتظار بود. این جزء مکمل "نرمش قهرمانانه ای" است که با توافق وین به جمهوری اسلامی تحمیل شده است. کوبیدن بر طبل ضد آمریکائی گری حالا که بر سر برچیدن تحریمها توافق شده است در واقع مکمل تعامل اقتصادی با شیطان بزرگ است. فرارست تشدید رجزخوانیهای ضد آمریکائی سنگ موازنه تعامل اقتصادی با غرب باشد. این موازنه را برای رفع هراس و نگرانیهایشان از اینکه گشایش اقتصادی هویت ضد آمریکائی نظامشان را مختل کند و سیستم سرکوب و اختناق که تماماً بر ایدئولوژی اسلام ضد آمریکائی سوار کرده اند بوسیله توده

مردم در هم شکسته شود، لازم دارند. این نگرانی البته در جدل بین جناحها و سخنرانی های متناقض خامنه ای و روحانی مقالات کیهان شریعتمداری و غیره صریحاً به زبان آورده نمیشود. اما اساس این دعوا و کشمکش در تحلیل نهائی رابطه با غرب نیست بلکه رابطه جمهوری اسلامی با جامعه است. هراس و نگرانی آنها نهایتاً نه "استکبار جهانی" بلکه جامعه در حال انفجار ایران است. ریشه بحران جمهوری اسلامی جامعه ای است که برای بزیر کشیدن این حکومت به کمین نشسته است. توافق هسته ای این بحران را حل نمیکند، بر عکس آنرا شدید تر و گسترده تر خواهد کرد.

گشایش اقتصادی در گرو "نرمش قهرمانانه" دیگری است!

روزنامه وال استریت ژورنال در مقاله ای با عنوان «پاسداران ایران مسیر ورود شرکت های غربی را تیره کرده اند» سپاه پاسداران را یکی از مهمترین چالشهای شرکتهای غربی خواهان ورود به بازار ایران میدانند. وال استریت ژورنال به این واقعیت اشاره میکند که سپاه یکی از قویترین نیروهای اقتصادی ایران با شبکه غیر شفاف از شرکت‌هایی است که در ساختمان سازی، تولید صنعتی، بانکداری و حمل و نقل دست دارد. لذا شرکتهای غربی ناگزیرند عمده فروشها، توزیع کنندگان و مشتریان خود را به دلیل پیوندهایشان با سپاه از صافی بگذرانند. زیرا ایالات متحده سپاه را به دست داشتن در اعمال تروریستی در بیرون مرزها و نقض حقوق بشر متهم می کند. این مقاله وال استریت ژورنال بر یکی از نمونه های تناقض و ناسازگاری اقتصاد مافیائی جمهوری اسلامی با

سیاستهای تروریستی رژیم در منطقه انگشت گذاشته است. تا زمانی که این اقتصاد مافیائی که تحت سلطه کامل سپاه قرار دارد از شرایط تحریم ارتزاق می‌کند اقتصادیات رژیم با سیاستهای منطقه ای اش کاملاً منطبق بود. اما پس از توافق وین این سازگاری بهم میریزد و تناقض تازه ای بین نقش سیاسی و اقتصادی سپاه سر باز میکند. تناقض میان مقابله با غرب در منطقه و معامله با غرب در بازار داخلی! خامنه ای تلاش میکند با شدت بخشیدن به رجزخوانی های ضد آمریکائی آثار منفی نرمش قهرمانانه را جبران کند اما برای تحقق گشایش اقتصادی "نرمش قهرمانانه" دیگری این بار در سطح سیاست لازم است.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

بی حقوقی اسلامی کودکان!

قوانین اسلامی برجامعه جستجو کرد.

در قوانین اسلامی پدر و جد پدری صاحب کودک شمرده میشود و ازینرو تنبیه بدنی فرزند توسط پدر و در مواردی والدین از موارد جرم مستثنی شده و قابل مجازات نیست! حتی در قانون جزای اسلامی، اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و تنبیها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می شود! در جمهوری اسلامی ازدواج دختران خردسال (طبق قوانین شرع از نه سالگی و در متن تجدید نظر شده قوانین جمهوری اسلامی از سیزده سالگی) مجاز است! سن مسئولیت کیفری در قوانین اسلامی برای پسران پانزده سال و برای دختران نه سال تعیین شده است! حتی اعدام کودکان - با کلاه شرعی زندانی کردن متهم تا رسیدن به سن قانونی اعدام - امری رایج در جمهوری اسلامی است! و غیره و غیره.

این جنایات نه از عدم اجرای قوانین ناشی میشود و نه میتوان آنها را "ضعف قانونی" نامید. مساله بر بی حقوقی اسلامی کودکان است. بقول منصور حکمت در اسلام کودکان در ردیف احشام اند! برخورد اسلام به کودکان مبتنی بر یک درک و تلقی پوسیده و مافوق ارتجاعی از کودک است که در مناسبات و روابط بدوی جوامع عشیرتی هزار و چهارصد سال قبل ریشه دارد. این سیستم را با جرح و تعدیل قوانین نمیتوان اصلاح کرد. باید آنرا از ریشه برانداخت.

سایت ایلنا گزارشی در مورد گسترش کودک آزاری در ایران منتشر کرده است. مرگ کودکی ۲.۵ ساله در سیرجان در اثر شکنجه مداوم والدینش، شناسایی یک دختر بچه هشت ساله در پارک شوشتر با آثار سوختگی شدید بر بدنش، که بخاطر شکنجه و ضرب و شتم بوسیله پدرش از خانه متواری شده بود؛ کودک پنج سال و نیمه ای که به دلیل شکستگی های متعدد در نواحی مختلف دستهایش و سوختگی پاها و دستها، که در اثر شکنجه های پدرش ایجاد شده، در یکی از بیمارستانها تهران تحت درمان قرار می گیرد؛ تجاوز به یک دختر بچه یازده ساله بوسیله شش مرد، از موارد ذکر شده در این گزارش است. این فجایع تنها چند نمونه از جنایاتی است که هر روزه علیه کودکان اعمال میشود.

بنا بر این گزارش آمار تنها کودک آزاری های اطلاع داده شده به خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی جمهوری اسلامی در سال ۹۳، ۸ هزار و ۶۶۴ مورد بوده است. این آمار البته منعکس کننده بخش کوچکی از هزاران موردی است که هر روزه اتفاق می افتد و به هیچ مرکزی اطلاع داده نمیشود.

علت چیست؟ زمینه های این فاجعه چگونه فراهم شده است؟ در این گزارش "ضعف در قوانین و عدم اجرای قوانین" علت فاجعه کودک آزاری قلمداد شده است. اما در مورد هر جامعه ای این صادق باشد، در مورد جمهوری اسلامی چنین نیست. ریشه مساله چیز دیگری است. در جمهوری اسلامی اساس مساله را باید در هویت مذهبی حکومت و سلطه

توحش اسلامی چرخ میزند و نکبت می آورد

بهرز مهرآبادی



انفجار بمب در نشست جوانان سوسیالیست در شهر سورج ترکیه، صفحه ننگ آلود دیگری بر پرونده جنبش اسلامی، داعش و حامیان آن بویژه دولت ترکیه، افزود. در این فاجعه بیش از ۱۴۰ نفر کشته و زخمی شدند. در آخرین گزارشها تعداد کشته شدگان ۳۲ نفر اعلام شده است. شهر سورج یک مرکز کمک رسانی به مردم کوبانی در مقابل جنایتکاران اسلامی بوده است و نشست اخیر جوانان سوسیالیست در این شهر به منظور بازسازی کوبانی و از جمله انتقال کمک های جمع آوری شده برای ساختن یک پارک برای کودکان این شهر، برگزار شد.

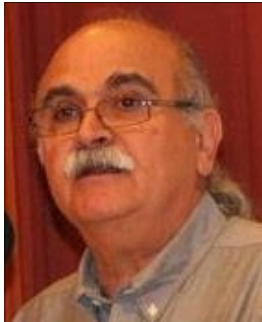
داعش به عنوان عامل این توحش معرفی شده است اما در این جنایت داعش تنها نیست. مردم در تظاهرات گسترده خود در شهرهای مختلف ترکیه انگشت اتهام را بطرف حکومت ترکیه گرفته اند. نیروهای داعش به راحتی از طریق ترکیه رفت و آمد می کنند و بخش عظیمی از تدارکات این ماشین جنایت در مقابل چشمان مقامات ترکیه و بدون شک با موافقت آنها و از طریق مرزهای ترکیه انجام میشود. در حالی که نیروهای نظامی و امنیتی ترکیه بارها مانع کمک

دیگر بالا بگیرد. اما از نظر من کمونیست، من آنتیست، از نظر ما شاهدان و قربانیان جنایات این اسلام، از نظر من و امثال من که در یک جنال سهمگین اجتماعی و سیاسی و فکری با این هیولا بسر میبریم، این اظهارات و توجیهات از فرط رندی، احمقانه جلوه میکند. مبانی عقیدتی اسلام، مبانی قرآنی اسلام، انکشاف تاریخ اسلام، هویت و تعلق سیاسی اسلام و اسلامیون در جدال آزادی و ارتجاع در عصر ما عیان تر و غیر قابل پوشاندن تر از آن است که اجازه بدهد بحث روایات مختلف اسلام و وجود و احتمال وجود روایت دیگری از اسلام، ولو در آینده و در کرات دیگر، که در آن ابتدایی ترین حقوق و عواطف بشری لعن و لگدمال نشده باشد، جدی گرفته بشود. به نظر من، این نهایت بی حرمتی به علم و به شعور

رسانی به مردم کوبانی و سایر شهرها و روستاهایی شده اند که مورد تهاجم نیروهای داعش قرار داشته اند. در مورد همکاری های آشکار و پنهان دولت اردوغان با داعش هزاران سند و گزارش منتشر شده است. تا جایی که حتی صدای بارک اوباما را هم درآورد و از گستردگی همکاری دولت ترکیه با داعش اظهار نارضایتی کرد. تصاویر منشر شده از چهره های شاد و مصمم جوانان سوسیالیست در ساعات قبل از انفجار بار دیگر دشمنی نیروهای اسلامی را با انسانیت، شادی، آزادی، برابری و تمدن یادآوری می کند و خطر آنرا برای همه جهانیان نشان میدهد. در سورج صدها جوان آزاده و شریف مورد تهاجم قرار گرفتند. در ترکیه، ایران،

اجتماعی انسان زمان ماست، اگر هر توجیه و هر مهملی که اسلامیون در حال هزیمت به روی جامعه پرت میکنند را به عنوان میبختی برای تجزیه و تحلیل و موشکافی علمی بپذیریم... فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبدیت است. راستش همه ادیان همین اند، اما بیشتر ادیان را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ میزند و نکبت می آورد.

راه حل یونان سیاسی است!



حمید تقوایی

شوید و از دولت بعنوان سر پیکان مبارزه علیه ریاضت کشی استفاده کنید. اعلام کنید:

"مردم یونان، نود و نه درصدیها، به کسی بدهکار نیستند. آنها مسئول بحران اقتصادی که بوسیله یک درصدیها ایجاد شده نیستند و نباید هزینه آنرا بپردازند. مردم یونان فی الحال با از دست دادن شغل و زدن از حق بازنشستگی و دیگر سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی باندازه کافی پرداخت کرده اند. ریاضت کشی و بدهکاری دیگر بس است! وامها را

ملغی کنید!" مستعفی یونان می گوید با تازهترین برنامه نجات مالی کشورش موفق نخواهد بود. او در عین حال تاکید میکند که نخستوزیر یونان گزینه دیگری به جز امضای توافق یاد شده نداشت.

گزینه دیگر هست اما نه برای "نجات مالی کشور" بلکه برای نجات نود و نه درصدیها! دولت یونان اگر بخواهد بعنوان مدیر و اداره کننده جامعه عمل کند بی شک گزینه دیگری نخواهد داشت. هیچ نیروی در چارچوب سیستم سرمایه داری یونان نمیتواند از اجرای سیاستهای ریاضت کشی خودداری کند. کلید مساله عملکرد دولت بعنوان نماینده نود و نه درصدیها در مقابله با یک درصدی های حاکم است.

جامعه یونان شرایط استثنائی را از سر میگذراند. این دوره رتق و فتق اقتصاد نیست، دوره تعیین تکلیف سیاسی است! دوره تثبیت قدرت جنبش ضد ریاضت کشی در دولت است. این از دوره های استثنائی در حیات هر جامعه است که دولت باید بعنوان یک ارگان مبارزاتی، و نه ارگان اداره امور عمل کند. حتی فشار تروئیکا و دولتهای اروپا به مردم یونان نیز اساسا امری سیاسی است و نه اقتصادی. میخواهند به مردمی که نه میگویند در یونان و در بقیه اروپا درس عبرت بدهند.

مساله یونان امروز پاسخ سیاسی دارد و نه اقتصادی. می پرسند بجز قبول شرایط تروئیکا چه میتوان کرد؟ پاسخ اینست: به مردم متکی

انیس واروفاکیس، وزیر دارایی مستعفی یونان می گوید با تازهترین برنامه نجات مالی کشورش موفق نخواهد بود. او در عین حال تاکید میکند که نخستوزیر یونان گزینه دیگری به جز امضای توافق یاد شده نداشت.

وزیر دارائی سابق، بخشی از کابینه و اکثریت کمیته مرکزی سیریزا با بسته جدید ریاضت کشی مخالف اند. دولت فعلی با احتمال زیاد رفتنی است ولی جنبش ضد ریاضت کشی نباید سنگر دولت را از دست بدهد. هر عضوی از دولت فعلی و یا از نمایندگان مجلس و یا از اعضای کمیته مرکزی سیریزا که با پرچم "لغو وامها، رد هر نوع سیاست ریاضتی و باقی ماندن در اروپای واحد و حوزه یورو"، بمیدان بیاید، هرکس که به مردم اتکا کند و مردم اروپا و همه دنیا را به کمک فرایخواند، حمایت بخش وسیعی از مردم یونان و مردم دنیا را با خود خواهد داشت و از شانس بالائی در پیروزی در هر انتخاباتی برخوردار خواهد بود.

مردم یونان در رفتارندوم یک بار دیگر به سیاستهای تروئیکا نه گفته اند. آینده یونان را نیروی خواهد ساخت که رای نه مردم را نمایندگی کند و آنرا با استفاده از سنگر دولت بعنوان ابزار مبارزه تا سطح "نه به حکومت یک در صدی ها" ارتقا بدهد.

۱۸ جولای ۲۰۱۵

در مورد سفر روحانی و هیئت دولت به کردستان

گویا مردم سنجده مشتاق دیدار این جنایتکار اسلامی بوده اند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از شما مردم مبارز و انقلابی شهر سنجده می خواهد که روز حضور روحانی در سنجده را به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی و علیه رئیس جمهور حکومتی که بالاترین آمار اعدامها در دوران ریاست او به نامش ثبت شده است تبدیل کنید. اعتراض یکدست شما به حضور نماینده دزدان و قاتلان اسلامی میتواند بعنوان برگ زرین و درخشان دیگری از تاریخ پرافتخار مبارزاتی مردم سنجده سرخ باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ تیر ۹۴ ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۵

لازم است به رسم سنت مبارزاتی خود این مقام جانی رژیم را با طرح خواسته های بر حق خود و با اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه و تحمیل فقر و فلاکتی که به این مردم تحمیل شده است او را رسوا تر و بی آبروتر کنید.

شما مردم آزاده کردستان که در زیر سلطه حکومت اسلامی و امروز با ریاست حسن روحانی همانند پیشینیان او همیشه شاهد اعدامهای گسترده و فقر و فلاکت روزمره بوده اید، نباید اجازه دهید که حسن روحانی و دیگر عوامل جانی این رژیم بدون پاسخ بمانند. بدون شک کردستان و جیره خواران محلی حکومت همراه با باندهای مسلحشان تلاش خواهند کرد حضور روحانی در سنجده را بگونه ای سازماندهی و مهندسی کنند که

هستند. در دوران صدارت هرکدام از این جانیان مردم کردستان بجز کشتار، زندان، فقر و سرکوب چیزی عایدشان نشده است. در این سفر و از هر امکانی که فراهم میشود مردم باید ادعای خود را علیه مقامات دولتی و قاتلین مردم اعلام کنند. مردم مبارز سنجده!

همانطور که میدانید کاربدستان حکومت اسلامی در ادامه سیاست سرکوبگرانه شان هر از چند گاهی برای عوامفریبی در جهت تداوم عمر نکبت اسلامی راهی این شهر و آن شهر میشوند. اینبار حسن روحانی رئیس جمهوری حکومت اسلامی قرار است همین سیاست را یک بار دیگر تاکید کند. شما مردم آزاده و مبارز که طی حاکمیت جمهوری اسلامی بجز سرکوب و زندان، فقر و بیرحمی، سیاهی و تباهی چیزی ندیده و تجربه نکرده اید، اینبار هم

درشتش را خوب می شناسند. مردم کردستان جنایات بی شمار حکومت اسلامی را تجربه کرده اند. همه مقامات این رژیم تا کنون امتحانشان را پس داده و بعد از گذشت بیش از سه دهه ماهیتشان برای مردم روشن است. آنچه مردم ایران بویژه مردم کردستان از مقامات حکومت اسلامی دیده و تجربه کرده اند، بیرحمی، قتل، خونریزی، اعدام و تحمیل فقر و فلاکت، تبعیض و گسترش نابرابری، دزدیهای میلیاردری و دهها مورد جنایات دیگر است که زندگی عادی مردم را به جهنم تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی و مقامات این رژیم برای مردم کردستان نه تنها مشروعیت ندارند بلکه جنایتکارانی هستند که همه آنها در کشتار عزیزان این مردم شریک بوده و

بنا به اخباری که در رسانه های حکومتی منتشر شده است روز یکشنبه حسن روحانی به شهر سنجده میرود و قرار است در این شهر سخنرانی کند. سفر روحانی به سنجده ظاهراً در ادامه وعده های انتخاباتی اش است، اما در حقیقت بعد از موضوع توافق هسته ای با کشورهای غربی، او تلاش میکند با این سفر به کردستان غیرمستقیم تبلیغات انتخاباتی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی رژیم که قرار است زمستان همین سال برگزار شود را استارت بزند. جدال جناحهای رژیم اسلامی بعد از مسئله مذاکرات هسته ای از این به بعد بر سر این موضوع متمرکز میشود که کدام جناح سکان مجلس اسلامی رژیم را در دست بگیرد.

مردم کردستان بویژه مردم سنجده ماهیت این رژیم و کاربدستان ریز و

هراس امام جمعه شهر بابک از تشدید مبارزه

کارگران مس خاتون آباد

نسان نودینیان

در بیست و هفتم تیر ماه امام جمعه شهر بابک گفت: "تجمعات و اعتصابات کارگری جلوی رشد شهرستان را می گیرد".

اعتصابات گسترده کارگران در شهرها و مراکز تولیدی در جریان است. اعتراض کارگران از شکل موردی فراتر رفته. شش روز اعتصابات ملام هزاران کارگر مس خاتون آباد علیه پرداخت نکردن حقوق و دستمزدهایشان امام جمعه مزدور شهر بابک را هراسان کرده و در نماز جمعه علناً علیه هزاران کارگر معترض و خانواده هایشان دست به پاپوش دوزی و توطئه چینی کرده است.

از نیمه دوم تیر ماه دو بار اعتراض کارگران ذوب آهن خاتون آباد شهر بابک دست به تجمع اعتراضی و تجمع زده اند. در بیستم تیرماه تجمع اعتراضی کارگران در اشکال تحصن در کارخانه شروع شد. کارگران متحصن از ورود نیروهای

قسمت های دیگر این پالایشگاه جلوگیری کردند و اجازه ندادند مشغول به کار شوند. و در بیستم تیر تعداد ۱۳۰ نفر از نیروهای پالایشگاه ذوب مس به همراه خانواده هایشان در مقابل درب ورودی این مجتمع از ساعت ۷ صبح تا ۵ عصر متحصن شدند و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان از سوی مسئولین شدند. کارگران متحصن از ورود نیروهای قسمت های دیگر این پالایشگاه جلوگیری کردند و اجازه ندادند مشغول به کار شوند. اعتصابات کارگران ذوب آهن خاتون آباد شهر بابک روندی ۲۳ ماهه را طی می کند، این تجمع ادامه اعتصابات قبلی در سال ۸۹ است که ۴ نفر هم جان خود را از دست دادند لذا قرار شده بود برای استخدام این ۱۳۰ نفر اقدام شود که به حالت تعلیق در آمده بودند.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن خاتون آباد شهر بابک تاثیرات ملموس خود را برجای گذاشته است. بی دلیل نیست که امام

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری درمورد جنایت اسلامی ها در ترکیه

حمله انتحاری وحوش اسلامی به جمع جوانان در شهر سوروچ ترکیه در روز دوشنبه ۲۰ ژوئیه (۲۹ تیرماه) خشم و نفرت میلیون ها نفر در سراسر جهان را برانگیخته است. در این حمله جنایتکارانه نزدیک به پنجاه نفر کشته و صد نفر مجروح شده اند.

این حمله جنایتکارانه، به يك اردوی ۳۰۰ نفره که برای اعلام همبستگی با مردم کوبانی و به منظور شرکت در بازسازی کوبانی برپا شده بود، صورت گرفته و شواهد نشان میدهد که داعشی ها مرتکب آن شده اند. اما انگشت اتهام همچنین به طرف دولت ترکیه نیز هست. هزاران نفر از مردم ترکیه امروز در اعتراض به این جنایت در شهرهای مختلف این کشور دست به راهپیمایی زدند و حزب عدالت و توسعه وابسته به اروغان را بعنوان حامی داعش محکوم کردند و پلیس ترکیه نیز تلاش کرد از جمله با ماشین آب پاش و گاز فلفل مردم را متفرق کند. دولت ترکیه مستقیم و غیر مستقیم از داعش حمایت میکند و دست آنها را برای حمله به کوبانی باز گذاشته است. از جمله حمله غافلگیر کننده

حزب کمونیست کارگری این جنایت را شدیداً محکوم میکند و خود را در غم و اندوه خانواده های جانبازان شریک میدانند. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه در ترکیه و ایران و در سراسر جهان را به گسترش مبارزه علیه شاخه های مختلف تروریسم اسلامی و علیه کلبه دول اسلامی و حامی جریانات اسلامی فرامیخواند.



۲۷ هزار کارگر قالبباف و ساختمانی در تبریز از حق بیمه تامین اجتماعی محروم شدند!

استان دست به تجمع اعتراضی زد. ۲۷ هزار کارگر با خانواده هایشان جمعیتی را تشکیل میدهند که قادر است فضای يك شهر را تحت تاثیر خود قرار دهد. با اعتراض میتوان مسئولین تامین اجتماعی را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران نباید قدرت متحدانه خودشان را دست کم بگیرند. اعتراض و مبارزه تنها راه درآوردن حق کارگر از حلقوم دولت است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران

سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۴ برابر با
۲۲ جولای ۲۰۱۵

در ایران بوده و یکی از دعوای جنایات درون حکومتی است.

کارگران قالبباف و ساختمانی محروم شده از حق بیمه!

داشتن بیمه تامین اجتماعی، حق همه کارگران است! نباید در برابر این تبعیض و ظلم آشکار ساکت ماند!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این عمل ضد انسانی، از همه کارگران میخواهد که در برابر سیاست ضد کارگری سازمان تامین اجتماعی دست به اعتراض بزنند. باید اعتراض سازمان داد و در مقابل اداره سازمان تامین اجتماعی

بنا به اخبار درج شده در رسانه ها، رئیس سازمان تامین اجتماعی استان آذربایجان شرقی، جعفر سمساری خبر ابطال بیمه ۲۷ هزار کارگر قالبباف و ساختمانی را اعلام کرد. این مزدور رژیم با وقاحت و بیشرمی اطلاع داد که ضرورت پالایش بیمه (یعنی حذف حق بیمه کارگران) جلوگیری از هدر رفت ۵ میلیارد تومان بودجه سازمان تامین اجتماعی میباشد. این نوع خزعبات، همه توجیه سیاستهای ضد انسانی رژیمی است که دزدیهای هزاران میلیاردی صورت گرفته در سازمان تامین اجتماعی، در طول سالهای گذشته زیانزد خاص و عام

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سی سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت خواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. با سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد حزب کمونیست کارگری!

سایت حزب: www.wpiran.org

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



بهنام را آزاد کنید

#freebehtam

free-them-now.com

childrenfirstnow.com

iranpoliticalprisoners.com

